پیش بینی اضطراب کودکان بر اساس عملکرد خانواده و شفقت ورزی به خود با میانجی گری استرس والدگری در مادران کودکان پیش دبستانی شهر اهواز

نیلوفر نعمتی، زهرا دشت بزرگی*

گروه روانشناسی تربیتی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

گروه روانشناسی تربیتی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران(نوسینده مسئول)

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، پیش بینی اضطراب کودکان بر اساس عملکرد خانواده و شفقت ورزی به خود با میانجی گری استرس والدگری در مادران کودکان پیش دبستانی شهر اهواز بود. جامعه آماری شامل کلیه مادران کودکان پیش دبستانی شهر اهواز بود. به این منظور ۱۵۰ نفر به روش نمونه گیری خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند. روش پژوهش، همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های اضطراب کودکان اسپنس و همکاران (۲۰۰۱)، عملکرد خانواده مک مستر (۱۹۸۳)، شفقت ورزی به خود راس (۲۰۱۲) و استرس والدگری آبیدین (۱۹۹۲) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر انجام شد ($p<0.05$). نتایج نشان داد تمامی مسیرهای مستقیم جز مسیر شفقت ورزی به خود به اضطراب کودکان معنادار شدند ($p>0.05$). همچنین، بین عملکرد خانواده با اضطراب کودکان از طریق استرس والدگری و نیز بین شفقت ورزی به خود با اضطراب کودکان از طریق استرس والدگری رابطه غیرمستقیم وجود داشت. نتایج به دست آمده، نشان دهندهٔ مناسب بودن برازش مدل بود و از نتایج پژوهش می‌توان در بهبود اضطراب در کودکان بهره گرفت.

واژه‌های کلیدی: اضطراب، عملکرد خانواده، شفقت ورزی به خود، استرس والدگری

مقدمه

برخی از ترس‌ها و اضطراب‌ها در دوران کودکی به عنوان بخشی از تحول بهنجار کودک قرار می‌گیرند، اما مشکلات اضطرابی وجود دارند که در طول زمان نسبتاً پایدارند و ممکن است تا نوجوانی و بزرگسالی پابرجا بمانند، به همین دلیل اختلال‌های اضطرابی معمولاً شروعی زودرس دارند (کاسپی[1] و همکاران، ۲۰۰۷). اضطراب نسبت به امور تا حدی لازم است، اما زمانی اضطراب دارای مشکل است که فرد نتواند آینده و یا رفتارش را پیش‌بینی کند و یا تلاش خود را در انجام امور بیهوده تصور کند و امور را خارج از کنترل خود بداند. اضطراب در افراد در درازمدت موجب تنش و استرس و خلق عصبی در افراد می‌شود (تسانگ[2] و همکاران، ۲۰۱۵). به این ترتیب، هر زمان که تلاش‌های فرد برای حل مسئله‌ای یا کنار آمدن با مسئله و مشکلی به جایی نرسد، اضطراب او بیشتر و تلاش‌هایش کم انعطاف می‌شود به طوری‌که راه‌حل‌های دیگر مسئله از نظرش دور خواهد ماند (دیویدسون[3] و همکاران، ۲۰۱۷).

1. Caspi
2. Tsang
2. Davidsson

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

کنترل اضطراب و جواب نامناسب به آن به این معنی است که فرد توانایی غلبه و کنترل بر فشار را ندارد. کنترل اضطراب سهم مهمی در تعیین سطوح آن دارد. برخی از فشارهای روانی عادی و طبیعی است. برای مثال اکثر کودکان در مدرسه دچار تحولاتی می‌شوند و باید آن مراحل را طی کنند یا بیشتر نوجوانان برای تعیین جایگاه اجتماعی و شخصی با خود درگیر می‌شوند. سطوح اضطراب با هم متفاوت است. بعضی از آنها ساده و قابل پیش‌بینی است. مانند ترس از تاریکی یا اضطراب قبل از امتحان یا ملاقات یک شخص جدید، بعضی از آنها هیجان بیشتری برای فرد ایجاد می‌کند مانند اضطراب‌هایی که هنگام یادگیری یک مهارت جدید یا بازی مهیج، تجربه می‌شوند (راردون[1] و همکاران، ۲۰۲۰).

از عوامل مؤثر بر اضطراب کودکان را می‌توان در مادران جست و جو کرد. در این راستا، می‌توان به عملکرد خانواده اشاره داشت. موریرا و تلزر[2] (۲۰۱۵) عملکرد خانواده را به صورت احساس نزدیکی عاطفی با افراد دیگر در خانواده تعریف می‌کنند؛ از نظر آنها دو کیفیت مربوط به عملکرد در خانواده، مشتمل بر تعهد و وقت گذراندن با هم است. منظور از تعهد، میل به صرف وقت و انرژی در فعالیت‌های خانواده و هم چنین ممانعت از تأثیر عواملی چون مسائل شغلی در آن می‌باشد. بعد دیگر عملکرد از نظر آنها وقت گذاشتن و با هم بودن در بین اعضای خانواده است. خانواده‌هایی که در این زمینه قوی هستند، به طور مرتب برنامه‌ها و زمان‌هایی برای فعالیت‌های گروهی در نظر می‌گیرند (هوآنگ[3] و همکاران ، ۲۰۲۱).

از طرفی، وجود شفقت ورزی به خود در مادران می‌تواند بر اضطراب کودکان اثرگذار باشد (گلشنی جورشری و همکاران، ۱۴۰۰). شفقت خود پیش بین قدرتمند سلامت روان است. همچنین، شفقت خود با انتقاد از خود، افسردگی، اضطراب، نشخوار فکری و سرکوب اندیشه رابطه منفی دارد (وارن[4] و همکاران ، ۲۰۱۶). در حالی که با رضایت از زندگی و مهارت‌های اجتماعی همبستگی مثبت دارد (نف، ۲۰۱۹). شفقت ورزی به خود یکی از مفاهیم جدید در حوزه روان‌شناسی می‌باشد که به نوعی جایگزین مفهوم ارزش خود می‌باشد (فونگ[5] و همکاران، ۲۰۲۱). شفقت خود یک نیروی مهم انسانی است که شامل صفات مهربانی، قضاوت منصفانه و احساسات به هم پیوسته و همچنین کمک به افراد در یافتن امید و معنا دادن به زندگی موقع روبرو شدن با مشکلات می‌باشد (ووسی[6] و همکاران، ۲۰۱۹) و به معنای هدایت کردن ساده مهربانی به سوی خود، تجربه پذیری و تحت تأثیر قرار گرفتن از رنج دیگران است (چوو و مارزلیک[7]، ۲۰۱۹).

---

1. Reardon
2. Moreira & Telzer
3. Huang
4. Warren
5. Fung
6. Voci
7. Choo & Marszalek

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

در این راستا، استرس والدگری نیز از عوامل مؤثر بر اضطراب کودکان محسوب می‌شود. در واقع رفتارهای مخرب و غیرعادی کودک به عنوان منبع اصلی استرس برای والدین به خصوص مادر محسوب می‌شود. مطالعات نیز نشان داده‌اند که مادران، استرس والدگری و نگرانی بیشتری را نسبت به پدران تجربه می‌کنند و سلامت روان آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. استرس والدگری در نتیجه ناهمخوانی ادراک شده بین تقاضاهای والدینی و منابع فردی حاصل می‌شود و چنین تنیدگی می‌تواند در چندین حیطه زندگی که مربوط به والدگری است تجربه شود (ربیعی کناری و همکاران ۱۳۹۴).

نتایج پژوهش غیاثوند (۱۴۰۲) نشان داد بین عملکرد خانواده و سبک‌های فرزند پروری مادر با اضطراب کودکان رابطه وجود دارد. با توجه به ارتباط عملکرد خانواده و سبک فرزندپروری مادر در پیش بینی اضطراب کودکان پیش دبستانی پیشنهاد می‌شود آموزش‌های لازم در خصوص سبک‌های فرزندپروری به خصوص سبک مقتدرانه به مادران ارائه گردد که منجر به کاهش اضطراب در کودکان شود. همچنین نتایج پژوهش سپهرآرا و زارعی (۱۴۰۱) نشان داد با توجه به سطح معناداری بین مولفه‌های جهت گیری مذهبی با اضطراب در میان مادران دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر جهرم ارتباط معنادار وجود نداشت. همچنین بین مولفه‌های مهربانی به خود، قضاوت کردن خود، تجارب مشترک انسانی و انزوا، با اضطراب در میان مادران رابطه معناداری وجود نداشت اما بین مولفه ی ذهن آگاهی و همانندسازی افراطی با اضطراب رابطه معکوس/منفی و معناداری وجود داشت. نتایج پژوهش کالوانو[1] و همکاران (۲۰۲۲) نشان داد، تنیدگی والدگری، تنظیم هیجانی والدین و وقوع تجربیات نامطلوب دوران کودکی با اختلالات رفتاری و اضطرابی رابطه مستقیمی داشت. استرس والدین به عنوان نقطه هدف مهم برای مداخلات پرداختن به عواقب منفی بیماری همه گیر ظاهر شد. نتایج پژوهش ساول[2] و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند که تعامل منفی والد–کودک و عملکرد خانواده و تجربیات تبعیض آمیز در دوران کودکی، موجب تشدید اختلالات اضطرابی و رفتاری در دوران بزرگسالی در فرزندان می‌شود.

با توجه به اهمیت نقش مادران در اضطراب کودکان، پژوهش حاضر قصد دارد رابطه عوامل مختلفی از قبیل عملکرد خانواده، شفقت ورزی به خود و استرس والدگری مادران را در اضطراب کودکان مورد پژوهش قرار دهد. از آنجایی که نتایج این پژوهش تا حد زیادی می‌تواند برای خانواده ها، والدین، مشاوران خانواده و درمانگران کودک مفید واقع شود و تاکنون تحقیقی با این ترکیب متغیرها در داخل و خارج از کشور انجام نشده است لذا می‌تواند جدید باشد و از طرفی با توجه به ارائه راهکارها و پیشنهادات جدید می‌توان از بعد نوآوری نیز به آن نگاه کرد. به این ترتیب، سؤال پژوهش این است که آیا مدل علّی اضطراب کودکان بر اساس عملکرد

1. Calvano
2. Savell

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

خانواده و شفقت ورزی به خود از طریق میانجی‌گری استرس والدگری در مادران کودکان پیش دبستانی شهر اهواز از برازش مطلوب برخوردار است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. در پژوهش‌های تحلیل مسیر، رابطه بین متغیرهای پیش بین با ملاک و پیش بین با میانجی و میانجی با ملاک، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این پژوهش، متغیر اضطراب کودکان به عنوان متغیر ملاک، متغیرهای عملکرد خانواده و شفقت ورزی به خود به عنوان متغیرهای پیش‌بین و متغیر استرس والدگری نیز به عنوان متغیر میانجی به کار رفته‌اند. جامعهٔ آماری پژوهش حاضر، شامل کلیهٔ کودکان مقطع پیش دبستانی و مادران آنها در شهر اهواز در سال تحصیلی ۱۴۰۲- ۱۴۰۱ بودند. در پژوهش حاضر، از روش نمونه گیری خوشه‌ای مرحله‌ای استفاده شد. ابتدا از بین نواحی ۴گانه اهواز، ناحیه ۴ به طور تصادفی انتخاب و از بین مراکز پیش دبستانی این ناحیه، ۶ مرکز به صورت تصادفی انتخاب و با هماهنگی با مدیران مسئولان و مادران، پرسشنامه‌های پژوهش برای پاسخگویی در اختیار مادران قرار گرفت. در پایان ۱۵۰ نفر به صورت کامل پرسشنامه‌ها را پاسخ دادند. حجم نمونه براساس تعداد متغیرهای پژوهش و مدل آماری مورد استفاده انتخاب گردید. با در نظر گرفتن پیشنهاد کلین[1] (۱۹۹۸) تعداد نمونه برای پژوهش تحلیل مسیر ۱۵۰ نفر کافیست. لذا حجم نمونه انتخابی، کفایت لازم را دارا می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و دستیابی به اهداف پژوهش و پاسخ به سؤال آن از روش‌های آمار توصیفی محاسبه فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد و آمار استنباطی ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر و پیش فرض‌های آن از قبیل آزمون نرمال بودن داده‌ها، استقلال خطاها، داده‌های گمشده و عدم هم خطی چندگانه استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از نرم‌افزار کامپیوتری اس‌پی‌اس‌اس[2] نسخه ۲۵ و نرم‌افزار آموس[3]استفاده شد. همچنین، سطح معنی‌داری در این پژوهش، α =۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

ابزار

الف- پرسشنامه اضطراب کودکان: مقیاس اضطراب کودکان[4] پیش دبستانی[5] فرم معلمان توسط اسپنس و همکاران (۲۰۰۱) طراحی شده است؛ که توسط مربیان کودکان تکمیل شد. این مقیاس دارای ۲۲ ماده است که در یک طیف پنج درجه‌ای از صفر (اصلاً صحیح نیست) تا چهار (همیشه صحیح است) نمره گذاری می‌شود، که نشانه‌های مرضی اختلال اضطراب جدایی، اضطراب تعمیم یافته، هراس اجتماعی، ترس از آسیب جسمانی (به

[1]. Kline
[2] SPSS
[3] AMOS
[4]. Children's Anxiety Scale
[5] PAS

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

عنوان یک هراس خاص) و وسواس- بی‌اختیاری را در کودکان ۲ تا ۶ سال مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در پژوهشی که در میان معلمان کودکان ۴ تا ۶ ساله حاضر در مهدکودک‌ها و مراکز پیش دبستانی شهر تهران انجام شد، نتایج نشان دادند ضریب اعتبار کل آزمون برابر ۰/۸۹ است که اعتبار بالایی را نشان می‌دهد. برای بررسی روایی سازه و استخراج عوامل اشباع شده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریمکس استفاده شد. تعداد پنج عامل استخراج شد که روی هم ۶۸/۰۰۲ درصد کل واریانس را تبیین می‌کنند. پایایی نیز ۰/۸۲ گزارش شد (خداپناهی و همکاران، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر برای بررسی پایایی پرسشنامه اضطراب از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که برابر ۰/۸۳ به دست آمده است.

ب- پرسشنامه عملکرد خانواده: پرسشنامه عملکرد خانواده[1] پرسشنامه ۵۳ سؤالی برای سنجیدن عملکرد خانواده بر مبنای الگوی مک مستر (۱۹۸۳) تدوین شده است. این ابزار در سال توسط اپشتاین، بیشاب و لوین[2] با هدف توصیف ویژگی‌های سازمانی و ساختاری خانواده تهیه شده است که توانایی خانواده را در سازش با حوزه وظایف خانوادگی با یک مقیاس خود گزارش دهی، مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد. این پرسشنامه دارای هفت خرده مقیاس با عناوین ارتباط، آمیزش عاطفی، ایفای نقش، عملکرد کلی، حل مشکل، همراهی عاطفی و کنترل رفتار می‌باشد (ساعتچی، کامکاری و عسگریان، ۱۳۸۹). آزمودنی با خواندن هر عبارت، میزان هماهنگی خصوصیات توصیف شده با خانواده خود را روی مقیاس چهار طبقه‌ای لیکرت و به صورت کاملاً موافقم: ۴، موافقم: ۳، مخالفم: ۲ و کاملاً مخالفم: ۱، مشخص می‌نماید. از جمع امتیازهای سؤالات، نمره کل آزمودنی به دست می‌آید. حد پایین و بالای نمره هر آزمودنی بین ۵۳ تا ۲۱۲ قرار دارد. امینی (۱۳۷۹) در پژوهش خود پایایی نسخه ۴۱ سؤالی FAD را ۰/۹۲ برآورد کرد. وی اعتبار این پرسشنامه را از طریق آلفای کرونباخ ۷ خرده مقیاس را چنین ذکر نمود: حل مشکل ۰/۶۱، ارتباط ۰/۳۸، نقش‌ها ۰/۷۲، همراهی عاطفی ۰/۶۴، آمیزش عاطفی ۰/۶۵، کنترل رفتار ۰/۶۱ و عملکرد کلی ۰/۸۱ که نشان می‌دهد غیر از خرده مقیاس ارتباط بقیه همسانی درونی نسبتاً خوبی دارند. در پژوهش حاضر، برای تعیین پایایی پرسشنامه عملکرد خانواده از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برابر ۰/۸۸ به دست آمده است.

ج-پرسشنامه شفقت ورزی به خود: پرسشنامه شفقت ورزی به خود توسط راس[3] (۲۰۱۲) ساخته شد. این ابزار دارای ۱۲ گویه است که با استفاده از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از یک تا پنج (۱=تقریبا هرگز تا ۵=تقریبا همیشه) نمره گذاری می‌شود. در این ابزار دامنه نمرات بین ۱۲ تا ۶۰ می‌باشد و هر چقدر نمره آزمودنی بیشتر باشد، به میزان بیشتری از خود دلسوزی برخوردار است. در پژوهشی که در ایران توسط شهبازی و همکاران

1. Family FunctioningQuestionnaire
2. Epshten, Bishop & Levin
3. Raes

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

(۲۰۱۵) صورت گرفت، ابتدا این مقیاس ترجمه و سپس روایی و پایایی آن محاسبه گردید و مشخص شد که پایایی کلی مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ است و روایی نیز با استفاده از روایی همزمان در سطح ۰/۰۰۱ معنادار شد. در پژوهش مرادی کلارده و همکاران (۱۳۹۸) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ گزارش شد. در تحقیق حاضر، برای تعیین پایایی پرسشنامهٔ شفقت ورزی به خود از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه برابر ۰/۸۵ به دست آمده است.

د-پرسشنامه استرس والدگری: شاخص تنیدگی والدین[1] ، توسط آبیدین (۱۹۹۲) ساخته شده و پرسشنامه ای است که براساس آن می توان اهمیت تنیدگی در نظام والدین-کودک را ارزشیابی کرد. این پرسشنامه بر این اصل مبتنی است که تنیدگی والدین می‌تواند از پاره ای ویژگی‌های کودک، برخی خصیصه‌های والدین و یا موقعیت های متنوعی که با ایفای نقش والدینی به طور مستقیم مرتبط هستند ناشی شود. زیرمقیاس‌های مربوط به هر قلمرو و همچنین تعداد موارد آنها عبارت از قلمرو کودک (۴۷ ماده)، سازش پذیری (۱۱ ماده)، پذیرندگی (۷ ماده)، فزون طلبی (۹ ماده)، خلق (۵ ماده)، بی توجهی/ فزون کنشی (۹ ماده)، تقویت گری (۶ ماده)، قلمرو والدین (۵۴ ماده)، افسردگی (۹ ماده)، دلبستگی (۷ ماده)، محدودیت‌های نقش (۷ ماده)، حس صلاحیت (۱۳ ماده)، انزوای اجتماعی (۶ ماده)، روابط با همسر (۷ ماده)، سلامت والد (۵ ماده) و تنیدگی زندگی (۱۹ ماده) (مقیاس اختیاری) است. در پژوهش حاضر از فرم ۳۶ سوالی استرس والدگری استفاده شده است. شیوه نمره گذاری نیز به روش لیکرت برحسب پاسخ‌های ۱ تا ۵ (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) است. حد پایین و بالای این آزمون ۳۶ و ۲۱۶ است. ضریب قابلیت اعتبار و اعتماد همسانی درونی از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برای کل مقیاس در یک گروه ۲۴۸ نفری از مادران هنگ کنگی ۰/۹۳ بدست آمد. اعتبار تفکیکی ابزار ۰/۹۳ و دامنه ضریب اعتبار هم زمان ابزار با ۵ ابزار تنیدگی مختلف دیگر ۰/۳۸ و ۰/۶۶ بوده است (تام چان و وونگ، ۱۹۹۴؛ به نقل از دادستان، ۱۳۸۵). آبیدین (۱۹۹۱؛ به نقل از دادستان، ۱۳۸۵) در یک گروه از مادران آمریکایی ضریب قابلیت اعتماد همسانی درونی این پرسش نامه را برای کل پرسش نامه ۰/۹۳ بدست آورد. در پژوهش حاضر برای بررسی همسانی درونی پرسشنامه استرس والدگری از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که که ضریب آلفای کرونباخ کل سؤالات ۰/۸۶ به دست آمده است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل شاخص‌های آماری میانگین و انحراف معیار بین متغیرهای تحقیق برای کلیه آزمودنی‌ها مورد مطالعه در پژوهش در جدول (۱) آورده شده است.

[1] PSI

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

جدول ۱- یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق برای کل آزمودنی‌ها

شاخص‌های آماری متغیرها	میانگین	انحراف معیار
اضطراب	۳۸.۱۲	۵.۲۰
عملکرد خانواده	۱۰۰.۷۱	۳۶.۰۸
شفقت ورزی به خود	۳۳.۵۸	۴.۴۶
استرس والدگری	۱۰۱.۶۴	۴۱.۱۸

مطابق جدول (۱)، میانگین و انحراف معیار در متغیر اضطراب، به ترتیب ۳۸.۱۲ و ۵.۲۰؛ در متغیر عملکرد خانواده به ترتیب ۱۰۰.۷۱ و ۳۶.۰۸؛ در متغیر شفقت ورزی به خود به ترتیب ۳۳.۵۸ و ۴.۴۶ و در متغیر استرس والدگری به ترتیب ۱۰۱.۶۴ و ۴۱.۱۸ به دست آمده است.

جدول ۲- ضرایب همبستگی ساده بین متغیرهای تحقیق در کل آزمودنی‌ها

شاخص‌های آماری متغیرها	۱	۲	۳	۴
۱-اضطراب کودکان	۱			
۲-عملکرد خانواده	-۰.۴۰۰	۱		
۳- شفقت ورزی به خود	-۰.۲۹۱	۰.۵۶۸	۱	
۴- استرس والدگری	۰.۴۷۶	-۰.۴۹۶	-۰.۵۵۹	۱

مطابق جدول (۲)، ضرایب همبستگی بین همه متغیرهای پژوهش در سطح $p \square 0/01$ معنی‌دار هستند.

پیش از تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه‌ها، بررسی پیش فرض‌های استفاده از روش تحلیل مسیر ضروری می‌باشد. بدین منظور مهم‌ترین مفروضه‌های روش تحلیل مسیر شامل نرمال بودن[1]، استقلال خطاها، داده‌های گمشده[2] و عدم هم خطی چندگانه[3] مورد بررسی قرار گرفتند، که در ادامه توضیحات مربوطه آورده شده‌اند.

از مفروضه‌های مهم تحلیل مسیر، نرمال بودن توزیع متغیرها است. هنگامی که داده‌ها توزیع نرمال ندارند، مقدار خی دو افزایش یافته و خطای استاندارد کمتر از برآورد واقعی می‌شوند که این امر منجر به معنی‌دار شدن شاخص‌های برآورد شده می‌شود، در حالی که واقعاً معنی‌دار نیستند. جهت بررسی نرمال بودن، از ضریب کجی[4]

[1]. Normality
[2]. Missing
[3]. None Multi-Collinearity
[4]. Skewness

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

و ضریب کشیدگی[1] استفاده می‌شود. قدرمطلق ضریب کجی بزرگ‌تر از ۳ تخطی از نرمال بودن داده‌ها را نشان می‌دهد. قدرمطلق ضریب کشیدگی بزرگ‌تر از ۱۰ در تحلیل داده‌ها مسئله‌ساز است و قدرمطلق ضریب کشیدگی بزرگ‌تر از ۲۰ مشکل جدی ایجاد می‌کند. در پژوهش حاضر جهت بررسی نرمال بودن متغیرها از کجی و کشیدگی متغیرها استفاده شد. جدول (۳) نتایج آزمون نرمال بودن متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۳- جدول نرمال بودن داده‌ها

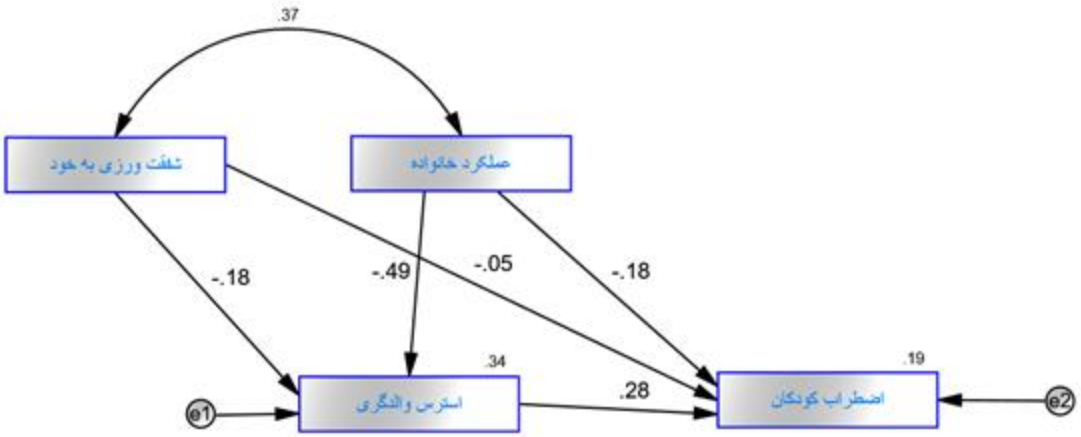
شاخص توصیفی متغیرها	کجی	کشیدگی
اضطراب کودکان	۰.۳۹۵	۱.۰۰۹
عملکرد خانواده	۰.۳۳۱	۱.۷۸۲
شفقت ورزی به خود	۰.۵۵۹	۱.۳۷۴
استرس والدگری	۰.۴۶۳	۱.۱۰۵

همان‌طوری که در جدول (۳) مشاهده می‌کنید، کجی و کشیدگی همهٔ متغیرها بین ۲+ و ۲- می‌باشد، در نتیجه فرض نرمال بودن داده‌ها تأیید می‌گردد.

برای ارزیابی مدل پیشنهادی این پژوهش از روش تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزار آموس و به روش حداکثر درست نمایی مدل استفاده شده است. الگوی پیشنهادی ما در مجموع چهار متغیر را در خود جای داده است، به این ترتیب که متغیر اضطراب کودکان به عنوان متغیر درون زاد (ملاک)، متغیرهای عملکرد خانواده و شفقت ورزی به خود به عنوان متغیرهای برون زاد (مستقل) و متغیر استرس والدگری نیز به عنوان متغیر میانجی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مدل پیشنهادی اولیه‌ای جهت تبیین اضطراب کودکان بر اساس عملکرد خانواده، شفقت ورزی به خود و استرس والدگری به دست آمده است که در نمودار (۱) آن را مشاهده می‌کنید.

[1]. Kurtosis

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]



نمودار ۱- مدل اولیه در حالت استاندارد

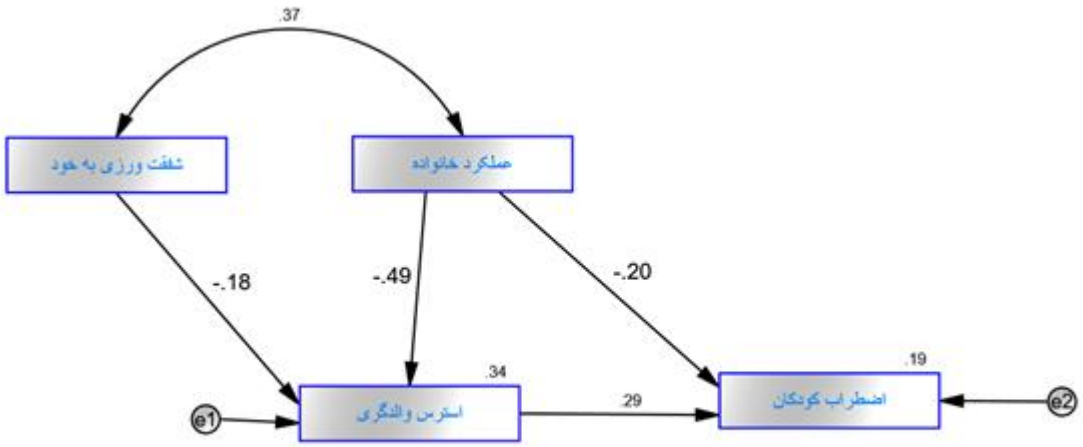
یافته‌های مربوط به این مدل را در جدول (۱) مشاهده می‌کنید. جهت تعیین کفایت برازش الگوی پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی از قبیل مقدار مجذور کای (χ^2)، شاخص هنجار شده مجذور کای $(\frac{\chi^2}{df})$، CFI و ریشهٔ میانگین مجذور خطای تقریب (RMSEA) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جدول ۴- شاخص‌های نیکویی برازش مدل اولیه در حالت استاندارد

شاخص نیکویی برازندگی	x^2	df	$\frac{x^2}{df}$	IFI	TLI	CFI	NFI	RMSEA
مدل اولیه	–	–	–	–	–	۰/۸۰	۰/۸۷	۰/۳۴۹

با توجه به داده‌های جدول (۴)، از آنجایی که در مدل پیشنهادی، تمامی شاخص‌های برازش مدل، در حد مطلوب نبودند، جهت اصلاح مدل مسیر شفقت ورزی به خود به اضطراب کودکان حذف شد. حاصل این عملیات، دست‌یابی به شاخص‌های برازندگی مطلوب بود. مدل نهایی به صورت زیر بدست آمده است.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]



نمودار ۲- مدل نهایی در حالت استاندارد

جدول ۵- شاخص‌های نیکویی برازش مدل نهایی

شاخص‌های نیکویی برازش	x^2	df	$\frac{x^2}{df}$	IFI	TLI	CFI	NFI	RMSEA
مدل نهایی	۰.۴۳۹	۱	۰.۴۳۹	۱.۰۰	۱.۰۲	۱.۰۰	۰.۹۹	۰.۰۰۱

با توجه به داده‌های جدول (۵)، همه شاخص‌های برازندگی همچون مقادیر مقدار مجذور کای (χ^2)، شاخص هنجار شده مجذور کای (χ^2/df)، شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی افزایشی (IFI)، شاخص توکر ـ لویس (TLI) و شاخص جذر میانگین مجذورات خطا (RMSEA) نشان دهنده برازش قابل قبول الگوی نهایی با داده‌ها هستند.

در ادامه به بررسی فرضیه‌های مستقیم، با در نظر گرفتن ضرایب مسیر به دست آمده در مدل اولیه و نهایی می‌پردازیم. یافته‌های مربوط به برآورد ضرایب مسیر در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول ۶- ضرایب مسیر اثرات مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل استاندارد اولیه و نهایی

مسیرها	مدل اولیه		مدل نهایی	
	ضرایب مسیر استاندارد (β)	p	ضرایب مسیر استاندارد (β)	p
عملکرد خانواده – اضطراب کودکان	-۰.۱۸۳	۰.۰۳۸	-۰.۱۹۶	۰.۰۲۳
عملکرد خانواده – استرس والدگری	-۰.۴۹۳	۰.۰۰۱	-۰.۴۹۳	۰.۰۰۱
شفقت ورزی به خود – اضطراب کودکان	-۰.۰۵۲	۰.۵۰۷	–	–
شفقت ورزی به خود – استرس والدگری	-۰.۱۷۵	۰.۰۱۲	-۰.۱۷۵	۰.۰۱۲
استرس والدگری – اضطراب کودکان	۰.۲۸۳	۰.۰۰۱	۰.۲۹۵	۰.۰۰۱

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

همان‌طوری که در جدول (۶) مشاهده می‌کنید، ضرایب استاندارد مسیرهای مستقیم با سطح معناداری هرکدام از این مسیرها در مدل اولیه و نهایی آورده شده است.

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام این پژوهش، پیش بینی اضطراب کودکان بر اساس عملکرد خانواده و شفقت ورزی به خود با میانجی گری استرس والدگری در مادران کودکان پیش دبستانی شهر اهواز بود. نتایج نشان داد بین عملکرد خانواده با اضطراب کودکان در مادران کودکان پیش دبستانی رابطه مستقیم وجود دارد.

ضریب مسیر بین عملکرد خانواده و اضطراب کودکان $\beta=-۰.۱۹۶$ می‌باشد که در سطح $p<0.05$ از لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین فرضیه ۱ پژوهش تأیید می‌شود. این یافته این یافته با نتایج پژوهش‌های غیاثوند (۱۴۰۲)، زندبینا و همکاران (۱۳۹۹)، عباس قربانی و نقدی (۱۳۹۹)، نریمانی و رضائی (۱۳۹۹)، زمانی و همکاران (۱۳۹۸)، صیدی (۱۳۹۷)، امانی (۱۳۹۴)، ساول و همکاران (۲۰۲۱)، اُه و همکاران (۲۰۲۰) هماهنگ و همسو است. چنانچه غیاثوند (۱۴۰۲) در پژوهشی نشان داد بین عملکرد خانواده و سبک‌های فرزند پروری مادر با اضطراب کودکان رابطه وجود دارد.

در تبیین این یافته می‌توان اظهار داشت، نحوه عملکرد و رفتار خانواده، به ویژه مادر، می‌تواند تأثیر زیادی بر روی سطح اضطراب کودکان داشته باشد. مادران به عنوان شخصیت‌های اصلی در زندگی کودکان، نقش بسیار مهمی در تأثیر بر روحیه و رفتار آن‌ها دارند. اگر خانواده یک محیط پایدار، حامی و پشتیبان برای کودک فراهم کند، این ممکن است به کاهش سطح اضطراب کودک منجر شود (زمانی و همکاران، ۱۳۹۸). عملکرد خانواده شامل عوامل مختلف است که شامل حس تعلق، حس تأمین نیازهای جسمانی و روحانی، فضای صمیمی و پذیرش هستند. همچنین، نقش پاسخگو بودن خانواده نسبت به نگرش‌ها و احساسات کودک نقش مهمی در کاهش اضطراب دارد (عباس قربانی و نقدی، ۱۳۹۹). اگر خانواده به درستی با نیازهای روحی و جسمانی مادر سازگار شود، کودک را به خوبی پذیرفته و تأیید می‌کند و به احساسات و نگرش‌های کودک پاسخگو هستند و می‌تواند به کاهش اضطراب کودک کمک کند (نریمانی و رضائی، ۱۳۹۹). بنابراین، برقراری یک رابطه سالم و حامی بین مادران و خانواده باعث می‌شود که کودکان احساس امنیت بیشتری داشته باشند و در نتیجه سطح اضطراب آن‌ها کاهش یابد.

همچنین نتایج نشان داد بین عملکرد خانواده با استرس والدگری در مادران کودکان پیش دبستانی رابطه مستقیم وجود دارد. ضریب مسیر بین عملکرد خانواده و استرس والدگری $\beta=-۰.۴۹۳$ می‌باشد که در سطح $p<0.01$ از لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین فرضیه ۲ پژوهش تأیید می‌شود.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

این یافته با نتایج پژوهش‌های انصاری اردلی و همکاران (۱۴۰۰) و زمانی و همکاران (۱۳۹۸) هماهنگ و همسو است. چنانچه در پژوهشی انصاری اردلی و همکاران (۱۴۰۰)، نشان دادند استرس والدگری و سبک زندگی با عملکرد خانواده رابطه معنا داری داشتند.

در تبیین این یافته می‌توان چنین بیان کرد که یک خانواده سالم و پشتیبان، محل مناسبی برای کاهش استرس والدگری است. حضور اعضای خانواده در کنار هم، به والدین احساس حمایت و تسلط بر موقعیت را می‌دهد و باعث کاهش استرس آن‌ها می‌شود (انصاری اردلی و همکاران، ۱۴۰۰). در خانواده‌های که دارای تقسیم کار مناسب هستند، فشار والدگری به طور عادلانه بین پدر و مادر تقسیم می‌شود. این باعث کاهش استرس والدگری شده و به همین دلیل، عملکرد خانواده نقش مثبت در کاهش استرس دارد. همچنین، نزاع‌های خانوادگی ممکن است منجر به افزایش استرس والدگری شود. خانواده‌هایی که بتوانند در مواجهه با نزاعات خانوادگی به صورت سازنده و همکارانه عمل کنند، می‌توانند استرس والدگری را به حداقل برسانند. همچنین، ارتباطات سالم و قوی در خانواده، باعث کاهش استرس والدگری می‌شود. اعضای خانواده که بتوانند به طور صحیح با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و درک و حمایت لازم را به هم دهند، معمولاً با استرس کمتری روبرو می‌شوند (زمانی و همکاران، ۱۳۹۸). لذا فضای خانه و حمایت اعضای خانواده از مادران، نقش مستقیم در کاهش استرس والدگری آنها دارد. نتایج نشان داد بین شفقت ورزی به خود با اضطراب کودکان در مادران کودکان پیش دبستانی رابطه مستقیم وجود دارد. ضریب مسیر بین شفقت ورزی به خود با اضطراب کودکان β=-۰.۰۵۲ می‌باشد که در سطح $p>0.05$ از لحاظ آماری معنی‌دار نبود و این مسیر حذف شد. بنابراین فرضیه ۳ پژوهش تأیید نمی‌شود.

این یافته با نتایج پژوهش‌های سپهرآرا و زارعی (۱۴۰۱)، مایبولو و همکاران (۲۰۱۹) و لئون دل بارکو و همکاران (۲۰۱۹) ناهماهنگ و ناهمسو است. در تحقیقات نام برده شده، رابطه شفقت ورزی به خود با اضطراب کودکان از طریق آزمون‌های ضریب همبستگی و رگرسیون صورت گرفته و این رابطه معنادار شده است؛ در حالی که، در تحقیق حاضر، فرضیات با تحلیل مسیر بررسی شده‌اند؛ در اینجا نیز رابطه شفقت ورزی به خود با اضطراب کودکان در آزمون پیرسون معنادار شدند، ولی در مدل به دلیل وجود متغیرهای میانجی، تمام سهم و اثر متغیر شفقت ورزی به خود روی اضطراب کودکان از طریق متغیرهای میانجی و یا همان رابطه غیرمستقیم تبیین شده است. به عبارت دیگر، در این مدل نیز متغیر شفقت ورزی به خود روی اضطراب کودکان تأثیر دارد اما به صورت غیرمستقیم. لذا می‌توان گفت، این یافته با تحقیقات پیشین به نوعی هماهنگ بوده است. به این معنا که وجود شفقت ورزی به خود در مادران، تأثیر مهمی روی استرس والدگری آنها می‌گذارد و این عامل نیز روی اضطراب کودکان اثرگذار خواهد بود. البته باید توجه داشت که جامعه آماری این پژوهش‌ها خیلی متفاوت است.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

در تبیین این یافته می‌توان چنین بیان کرد که شفقت ورزی به خود به معنای نگرانی و محافظت از خود است و زمانی که یک مادر به خودش شفقت ورزیده و احساس رضایت و اعتماد به نفس دارد، این احساسات مثبت بر روحیه و رفتار کودکانش تأثیر می‌گذارد (سپهرآرا و زارعی، ۱۴۰۱). مادرانی که به خود شفقت ورزیده، معمولاً توانایی بالاتری در مدیریت استرس‌ها، حل مشکلات، پذیرش هم‌دلی و تغذیه مناسب دارند. خود شفقتی در مادران موجب آگاه بودن از نیازها، حس‌ها و حالات خود؛ علاقمند بودن به پیدا کردن راه‌حل‌های سالم برای حل مشکلات بین فردی؛ توجّه به استراحت و خواب مناسب؛ مراقب بودن از نظر بهداشتی و فیزیکی؛ توجّه به تغذیه سالم و مناسب داشتن روابط اجتماعی سالم و حمایت کننده در مادران می‌شود (مایبولو و همکاران، ۲۰۱۹). زمانی که یک مادر به خودش شفقت ورزیده، احساسات مثبت در خود تقویت می‌شود که در نتیجه باعث افزایش اعتماد به نفس و رضایت ذاتی مادر می‌شود. این شفقت ورزی به خود، باعث کاهش استرس و اضطراب در مادران می‌شود که در نتیجه باعث کاهش استرس و اضطراب کودکان نیز خواهد شد (لئون دل بارکو و همکاران، ۲۰۱۹). بنابراین، رابطه شفقت ورزیدن به خود در مادران با اضطراب کودکان بسیار حائز اهمیت است. همچنین، باید توجّه داشت که عوامل دیگر نظیر فشار جامعه، رویدادهای زندگی، سبک تربیتی و محیط خانه نیز می‌توانند بر اضطراب کودکان مؤثر باشد.

همچنین نتایج نشان داد بین شفقت ورزی به خود با استرس والدگری در مادران کودکان پیش دبستانی رابطه مستقیم وجود دارد. ضریب مسیر بین شفقت ورزی به خود و استرس والدگری β=-۰.۱۷۵ می‌باشد که در سطح $p<0.05$ از لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین فرضیه ۴ پژوهش تأیید می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش گلشنی جورشری و همکاران (۱۴۰۰) همسو و هماهنگ است. چنانچه نتایج پژوهش آنها نشان داد بین فراوالدگری، شفقت خود و سرزندگی ذهنی با استرس والدگری رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت، شفقت ورزی به خود به معنای نگاه داشتن و مراقبت از نیازها و خواسته‌های شخصی خود است. این شامل توجه به سلامت روحی، فیزیکی و عاطفی خود، احساسات، حساسیت‌ها، حدود و محدودیت‌های فرد است. مادرانی که بتوانند به خوبی به نیازهای خود توجه کنند و در زمینه مراقبت از خود پشتکار داشته باشند، احتمالاً در برابر استرس والدگری کم‌تر آسیب می‌بینند. زیرا آگاهانه باعث محافظت از سلامت روان و جسمانی خود شده و قادر هستند با فشارهای روزمره به صورت سالم برخورد کنند (گلشنی جورشری و همکاران، ۱۴۰۰). در حالی که، مادرانی که نادیده گیرنده نیازهای خود هستند و به خود مراقبت کافی نمی‌کنند، ممکن است در برابر استرس والدگری آسیب پذیرتر باشند. زیرا این افراد به راحتی ممکن است درگیر احساسات منفی، اضطراب و استرس شوند و نتوانند به خوبی با فشارهای روزمره مقابله کنند. به طور کلی، شفقت ورزی به خود در مادران می‌تواند به عنوان یک عامل محافظ در برابر استرس والدگری عمل کند. با توجه به اینکه

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

والدگری چالش‌های زیادی را برای فرد دارد، توجه به نیازهای شخصی و حفظ سلامت روان و جسمانی خود مادران ممکن است در کاهش سطح استرس والدگری تأثیر قابل توجهی داشته باشد.

همچنین نتایج نشان داد بین استرس والدگری با اضطراب کودکان در مادران کودکان پیش دبستانی رابطه مستقیم وجود دارد. ضریب مسیر بین استرس والدگری و اضطراب کودکان در سطح β=۰.۲۹۵ می‌باشد که در سطح $p<0.01$ از لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین فرضیه ۵ پژوهش تأیید می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های ناظری هرندی و همکاران (۱۴۰۱) و کالوانو و همکاران (۲۰۲۲) همسو و همراستا است. برای مثال، در پژوهشی ناظمی هرندی و همکاران (۱۴۰۱) نشان دادند بین مؤلفه‌های استرس والدینی و مشکلات هیجانی اجتماعی کودکان رابطه معنادار است. به طور کلی می‌توان این یافته را این گونه تبیین نمود که، والدگری استرس زا می‌تواند به عنوان یک عامل مؤثر در ایجاد اضطراب در کودکان عمل کند. وقتی والدین با استرس روبرو هستند، این استرس ممکن است به شکل غیرمستقیم بر رفتار و روابط خانوادگی تأثیر بگذارد. این ممکن است منجر به ناپایداری در فضای خانواده، ناامنی، ناپایداری هیجانی و نبود حمایت مناسب برای کودکان شود. همچنین، والدگری استرس زا معمولاً باعث کاهش توجه به نیازهای رشد و تحول کودکان می‌شود (هرندی و همکاران، ۱۴۰۱). اثرات این شرایط بر رفتار کودکان معمولاً باعث افزایش سطح اضطراب در آن‌ها می‌شود. کودکان ممکن است علائم اضطرابی مانند نگرانی مداوم، خجالت، ترس از جدایی، ترس از شکست و عدم اعتماد به نفس نشان دهند. همچنین، کودکان ممکن است رفتارهای نامطلوبی مانند خشونت، عصبانیت یا اختلال در رفتار داشته باشند (کالوانو و همکاران، ۲۰۲۲). به طور کلی، استرس والدگری می‌تواند به عنوان یک عامل مؤثر در اضطراب کودکان عمل کند. برای کاهش این تأثیرات منفی، والدین باید به حفظ سطح استرس خود و پشتیبانی مناسب از کودکان خود توجه کنند.

همچنین نتایج نشان داد بین عملکرد خانواده با اضطراب کودکان از طریق استرس والدگری در مادران کودکان پیش دبستانی رابطهٔ غیرمستقیم وجود دارد. ضریب مسیر بین عملکرد خانواده با اضطراب کودکان از طریق استرس والدگری β=-۰.۲۱۳ می‌باشد که در سطح $p<0.01$ از لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین فرضیه ۶ پژوهش تأیید می‌شود. همراستا با این یافته، پژوهش مشابهی یافت نشد. می‌توان اذعان نمود که همانطور که در فرضیه مستقیم نشان داده شد که بین عملکرد خانواده با اضطراب کودکان رابطه منفی و معنادار وجود داشت و در فرضیه غیرمستقیم نیز نشان داده شد عملکرد خانواده از طریق کاهش استرس والدگری در مادران موجب افزایش اضطراب در کودکان می‌شود. می‌توان این یافته را گونه تبیین نمود که، استرس والدگری به عنوان یک عامل مهم در رفتار و روابط خانوادگی شناخته شده است. وقتی که مادران با استرس‌های زندگی روبرو هستند، قادر به انجام وظایف خود به صورت مناسب نخواهند بود. این ممکن است منجر به ناتوانی در فعالیت‌های روزمره، نقص در

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

حمایت‌های احساسی، نقص در تأمین نیازهای پایه فرزند، چالش‌های رفتاری فرزند و سبب بروز استرس در خانواده شود. علاوه بر این، عملکرد خانواده نقش مهمی در تنظیم استرس والدگری دارد. وقتی که خانواده به طور کلی عملکرد خوبی داشته باشد، این می‌تواند به کاهش استرس والدگری و در نتیجه کاهش اضطراب کودکان منجر شود. عملکرد خانواده شامل عوامل مختلفی مانند حمایت‌های احساسی، انعطاف پذیری، قوانین و مقررات خانوادگی، ارتباطات سالم و همبستگی است. بنابراین، رابطه بین عملکرد خانواده در مادران با اضطراب کودکان با میانجی گری استرس والدگری نشان می‌دهد که عملکرد خانواده در تأثیر گذار بودن بین استرس والدگری و اضطراب کودکان نقش دارد. به عبارت دقیق‌تر، استفاده از راهبردهای سازنده در فعال شدن خانواده، حفظ رفاقت و همبستگی خانوادگی، تأثیر بخشی در کاهش استرس والدگری و در نتیجه کاهش اضطراب کودکان دارد. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت، استرس والدگری به درستی نقش میانجی را در رابطه بین شفقت ورزی به خود با اضطراب کودکان ایفا نموده است.

همچنین نتایج نشان داد بین شفقت ورزی به خود با اضطراب کودکان از طریق استرس والدگری در مادران کودکان پیش دبستانی رابطهٔ غیرمستقیم وجود دارد. ضریب مسیر بین شفقت ورزی به خود با اضطراب کودکان از طریق استرس والدگری $\beta=-۰.۰۲۳$ می‌باشد که در سطح $p<0.05$ از لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین فرضیه ۷ پژوهش تأیید می‌شود. همراستا با این یافته، پژوهش مشابهی یافت نشد. در فرضیه مستقیم نشان داده شد، بین شفقت ورزی به خود و اضطراب کودکان رابطه معنادار وجود نداشت اما در فرضیه غیرمستقیم نشان داده شد شفقت ورزی به خود در مادران فقط زمانی بر اضطراب کودکان اثر دارد که ابتدا موجب کاهش استرس والدگری در آنها شود و از این راه اضطراب کودکان را کاهش دهد. به طور کلی، شفقت ورزی به خود به معنای داشتن احساس نگرانی و توجه به نیازها و احساسات خود است. این شفقت ورزی به خود در مادران ممکن است تأثیر قابل توجهی بر روابط آن‌ها با کودکانشان داشته باشد. استرس والدگری ممکن است منجر به عدم تمایل به پاسخگوئی به صحبت‌های کودک، عدم حضور ذهن در لحظات همراه با کودک، عدم قادر بودن به فراهم کردن محیط آرام و امن برای کودک و یا عدم توانایی در اظهار عشق و احساسات مثبت نسبت به کودک شود. کودکان در صورت عدم حضور حضور ذهن مادر در لحظات با آن‌ها، عدم پاسخگوئی به نیازهایشان و یا فقدان اظهارات عشق و توجه، ممکن است احساس نادرستی درباره خودشان پیدا کنند. این احساسات نادرست می‌تواند منجر به اضطراب کودکان شده و رابطه آن‌ها با خود، دیگران و جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، استرس والدگری مادر باعث کاستی در شفقت و توجه به خود مادر می‌شود. این کاستی در شفقت و توجه به خود، منجر به بروز استرس در بین والدگری می‌شود که در نتیجه اضطراب کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به این ترتیب

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

می‌توان نتیجه گرفت، استرس والدگری به درستی نقش میانجی را در رابطه بین عملکرد خانواده با اضطراب کودکان ایفا نموده است.

منابع

امانی، رزیتا (۱۳۹۴). نقش عملکرد خانواده در اضطراب و افسردگی نوجوانان. *روانشناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)*، ۱۳(۲)، ۷۷-۸۴.

انصاری اردلی، لیلا؛ مکوندی، بهنام؛ عسگری، پرویز و حیدری، علی رضا (۱۴۰۰). پیش بینی عملکرد خانواده بر اساس استرس والدگری و سبک زندگی در مادران کودکان استثنایی. *اولین همایش ملی روان درمانی ایران.*

خداپناهی، محمدکریم؛ قنبری، سعید؛ نادعلی، حسین و سیدموسوی، پریساسادات (۱۳۹۱). کیفیت روابط مادر-کودک و نشانگان اضطرابی در کودکان پیش دبستانی. *روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)*، ۹(۳۳)، ۱۳-۵.

زمانی، مجید؛ جلالی، محسن و پوراحمدی، الناز (۱۳۹۸). نقش همراهی خانوادگی با علایم کودک، شیوه‌های فرزندپروری و استرس والدگری در پیش بینی شدت اختلالات اضطرابی در کودکان ۶ تا ۱۰ ساله در استان گلستان. *مجله دانشگاه علوم پزشکی گرگان*، ۲۱(۲)، ۹۸-۸۹.

زندبینا، نوشین؛ کشوری، ماهرخ و خیرآبادی، غلامرضا (۱۳۹۹). بررسی ارتباط عملکرد خانواده با استرس، اضطراب و افسردگی خلبانان نیروی هوایی اصفهان در سال ۹۸-۹۷. *علوم مراقبتی نظامی*، ۷ (۳) :۱۹۸-۲۰۶.

سپهرآرا، سجاد و زارعی، کوروش (۱۴۰۱). بررسی رابطه جهت گیری مذهبی و شفقت به خود با اضطراب در میان مادران دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر جهرم. *روانشناسی و علوم رفتاری ایران*، ۲۹(۱)، ۶۳-۴۷.

صیدی، محمد سجاد (۱۳۹۷). نقش رضایت و کیفیت خانواده در کاهش اضطراب و افسردگی کودکان با تعدیل گری استرس والدینی. *پژوهش‌های مشاوره*، ۶۶(۲۳)، ۱۹۹-۱۷۷.

عباس قربانی، مریم و نقدی، فریما (۱۳۹۹). رابطه بین سبک فرزند پروری والدین عملکرد خانواده با مشکلات رفتاری کودکان پیش دبستانی. *مدیریت و چشم انداز آموزش*،۲(۳)، ۸۶-۷۱.

عباسی، مسلم و غیرتی، شمیلا (۱۴۰۱). رابطه افسردگی مادران با نشانه‌های افسردگی و اضطراب کودکان دارای اختلال یادگیری خاص با واسطه استرس والدینی. *ناتوانی‌های یادگیری*، ۱۱(۴)، ۶۱-۴۶.

غیاثوند، زهرا (۱۴۰۲). سهم عملکرد خانواده و سبک فرزندپروری مادر در پیش‌بینی اضطراب کودکان پیش‌دبستانی. *مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (مرکز توسعه آموزشهای نوین ایران)*، ۹(۱)، ۴۸۹-۴۹۶.

گلشنی جورشری، معصومه (۱۴۰۰). پیش بینی استرس والدگری بر اساس فرا والدگری ، شفقت خود و سرزندگی ذهنی در مادران دارای کودک مبتلا به نارسایی شنوایی. *رویش روان شناسی*، ۱۰ (۱۱) :۱۳۰-۱۲۱.

ناظمی هرندی، اعظم؛ جزایری، شادی و صابری، هایده (۱۴۰۱). نقش استرس والدین و حمایت اجتماعی ادراک‌شده در پیش‌بینی مشکلات هیجانی‌اجتماعی کودکان شهر پردیس تهران. *مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک*، ۲۵ (۲) :۲۵۷-۲۴۴.

نریمانی، محمد و رضائی، لیلا (۱۳۹۹). بررسی رابطه عملکرد خانواده با اضطراب اجتماعی در بین دانش آموزان دختر پایه دوم متوسطه. *اولین همایش ملی روان شناسی بالینی کودک و نوجوان.*

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

Allen, T. D., Johnson, R. C., Kiburz, K. M., & Shockley, K. M. (2013). Work–family conflict and flexible work arrangements: Deconstructing flexibility. *Personnel psychology*, *66*(2), 345-376.

Amit, R., & Villalonga, B. (2014). Financial performance of family firms. *The Sage handbook of family business*, 157-178.

Arrondo-García, R., Fernández-Méndez, C., & Menéndez-Requejo, S. (2016). The growth and performance of family businesses during the global financial crisis: The role of the generation in control. *Journal of Family Business Strategy*, *7*(4), 227-237.

Ashworth, F. (2014). Soothing the injured brain with a compassionate mind: Building the case for compassion focused therapy following acquired brain injury. *Neuro-Disability and Psychotherapy*, *2*(1-2), 41-79.

Bandelow, B., Reitt, M., Röver, C., Michaelis, S., Görlich, Y., & Wedekind, D. (2015). Efficacy of treatments for anxiety disorders: a meta-analysis. *International Clinical Psychopharmacology*, *30*(4), 183-192.

Barlow, D. H. (2004). *Anxiety and its disorders: The nature and treatment of anxiety and panic*. Guilford press.

Basco, R. (2014). Exploring the influence of the family upon firm performance: Does strategic behaviour matter?. *International Small Business Journal*, *32*(8), 967-995.

Basu, R., Hatton, R. D., & Weaver, C. T. (2013). The Th17 family: flexibility follows function. *Immunological reviews*, *252*(1), 89-103.

Beaumont, E., & Hollins Martin, C. J. (2015). A narrative review exploring the effectiveness of Compassion-Focused Therapy. *Counselling Psychology Review*, *30*(1), 21-32.

Beaumont, E., Durkin, M., Martin, C. J. H., & Carson, J. (2016). Compassion for others, self-compassion, quality of life and mental well-being measures and their association with compassion fatigue and burnout in student midwives: A quantitative survey. *Midwifery*, *34*, 239-244.

Bell, T., Dixon, A., & Kolts, R. (2017). Developing a compassionate internal supervisor: Compassion-focused therapy for trainee therapists. *Clinical psychology & psychotherapy*, *24*(3), 632-648.

Berber Çelik, Ç., & Odacı, H. (2020). Does child abuse have an impact on self-esteem, depression, anxiety and stress conditions of individuals?. *International journal of social psychiatry*, *66*(2), 171-178.

Cachia, R. L., Anderson, A., & Moore, D. W. (2016). Mindfulness, stress and well-being in parents of children with autism spectrum disorder: A systematic review. *Journal of Child and Family Studies*, *25*(1), 1-14.

Calvano, C., Engelke, L., Di Bella, J., Kindermann, J., Renneberg, B., & Winter, S. M. (2022). Families in the COVID-19 pandemic: parental stress, parent mental health and the occurrence of adverse childhood experiences—results of a representative survey in Germany. *European child & adolescent psychiatry*, *31*(7), 1-13.

Cheng, W. Y., Cheung, R. Y., & Chung, K. K. H. (2021). Understanding adolescents' perceived social responsibility: The role of family cohesion, interdependent self-construal, and social trust. *Journal of adolescence*, *89*, 55-62.

Choo, P. Y., & Marszalek, J. M. (2019). Self-compassion: A potential shield against extreme self-reliance?. *Journal of Happiness Studies*, *20*(3), 971-994.

Coutu, D. L. (2002). The anxiety of learning. *IEEE Engineering Management Review*, *30*(4), 106-106.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

Craske, M. G. (1999). *Anxiety disorders: psychological approaches to theory and treatment*. Westview Press.

Craske, M. G., & Stein, M. B. (2017). No psychotherapy monoculture for anxiety disorders–Authors' reply. *The Lancet*, *389*(10082), 1883.

Creswell, C., Nauta, M. H., Hudson, J. L., March, S., Reardon, T., Arendt, K., ... & Kendall, P. C. (2021). Research Review: Recommendations for reporting on treatment trials for child and adolescent anxiety disorders–an international consensus statement. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, *62*(3), 255-269.

Deb, S., Strodl, E., & Sun, J. (2015). Academic stress, parental pressure, anxiety and mental health among Indian high school students. *International Journal of Psychology and Behavioral Sciences*, *5*(1), 26-34.

Dempsey, I., Keen, D., Pennell, D., O'Reilly, J., & Neilands, J. (2009). Parent stress, parenting competence and family-centered support to young children with an intellectual or developmental disability. *Research in developmental disabilities*, *30*(3), 558-566.

Fang, G., Chan, P. W. K., & Kalogeropoulos, P. (2021). Social Support and Academic Achievement of Chinese Low-Income Children: A Mediation Effect of Academic Resilience. *International Journal of Psychological Research*, *13*(1), 19-28.

Gale, C., Gilbert, P., Read, N., & Goss, K. (2014). An evaluation of the impact of introducing compassion focused therapy to a standard treatment programme for people with eating disorders. *Clinical psychology & psychotherapy*, *21*(1), 1-12.

Gao, X., Sun, F., Marsiglia, F. F., & Dong, X. (2021). Elder Mistreatment Among Older Chinese Americans: The Role of Family Cohesion. *The International Journal of Aging and Human Development*, *88*(3), 266-285.

Germer, C. K., & Neff, K. D. (2013). Self-compassion in clinical practice. *Journal of clinical psychology*, *69*(8), 856-867.

Germer, C. K., & Neff, K. D. (2015). Cultivating self-compassion in trauma survivors. *Mindfulness-oriented interventions for trauma: Integrating contemplative practices*, 43-58.

Golombok, S., Zadeh, S., Imrie, S., Smith, V., & Freeman, T. (2016). Single mothers by choice: Mother–child relationships and children's psychological adjustment. *Journal of Family Psychology*, *30*(4), 409.

Goroshit, M. (2018). Academic procrastination and academic performance: An initial basis for intervention. *Journal of prevention & intervention in the community*, *46*(2), 131-142.

Hatak, I., Kautonen, T., Fink, M., & Kansikas, J. (2016). Innovativeness and family-firm performance: The moderating effect of family commitment. *Technological forecasting and social change*, *102*, 120-131.

Heywood, J. S., & Miller, L. A. (2015). Schedule flexibility, family friendly policies and absence. *The Manchester School*, *83*(6), 652-675.

Huang, L., Wang, Y., & Huang, H. (2021). Factors associated with family cohesion and adaptability among Chinese registered nurses. *Journal of Clinical Nursing*, *30*(1-2), 113-125.

Jayakody, K., Gunadasa, S., & Hosker, C. (2014). Exercise for anxiety disorders: systematic review. *Br J Sports Med*, *48*(3), 187-196.

Julian, L. J. (2011). Measures of anxiety. *Arthritis care & research*, *63*(0 11).

Knop, B., & Brewster, K. L. (2016). Family flexibility in response to economic conditions: Fathers' involvement in child-care tasks. *Journal of Marriage and Family*, *78*(2), 283-292.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

Lader, M. (2015). Generalized anxiety disorder. *Encyclopedia of psychopharmacology*, 699-702.
Leary, M. R. (2013). Social Anxiety, Shyness, and. *Measures of personality and social psychological attitudes: Measures of social psychological attitudes*, *1*, 161-176.
Liu, G., Jin, W., & Xu, N. (2016). Two-dimensional-material membranes: a new family of high-performance separation membranes. *Angewandte Chemie International Edition*, *55*(43), 13384-13397.
Maiuolo, M., Deane, F. P., & Ciarrochi, J. (2019). Parental authoritativeness, social support and help-seeking for mental health problems in adolescents. *Journal of Youth and Adolescence*, *48*(6), 1056-1067.
Mäntymaa, M., Puura, K., Luoma, I., Latva, R., Salmelin, R. K., & Tamminen, T. (2015). Shared pleasure in early mother–infant interaction: Predicting lower levels of emotional and behavioral problems in the child and protecting against the influence of parental psychopathology. *Infant mental health journal*, *36*(2), 223-237.
Marshall, E. J., & Brockman, R. N. (2016). The relationships between psychological flexibility, self-compassion, and emotional well-being. *Journal of Cognitive Psychotherapy*, *30*(1), 60-72.
Miller, B. R., & Hen, R. (2015). The current state of the neurogenic theory of depression and anxiety. *Current opinion in neurobiology*, *30*, 51-58.
Moreira, J. F. G., & Telzer, E. H. (2015). Changes in family cohesion and links to depression during the college transition. *Journal of adolescence*, *43*, 72-82.
Morrison, A. S., & Heimberg, R. G. (2013). Social anxiety and social anxiety disorder. *Annual review of clinical psychology*, *9*, 249-274.
Neece, C. L. (2014). Mindfulness-based stress reduction for parents of young children with developmental delays: Implications for parental mental health and child behavior problems. *Journal of Applied Research in Intellectual Disabilities*, *27*(2), 174-186.
Neff, K. D. (2012). The science of self-compassion. *Compassion and wisdom in psychotherapy*, *1*, 79-92.
Neff, K. D., & Beretvas, S. N. (2013). The role of self-compassion in romantic relationships. *Self and Identity*, *12*(1), 78-98.
Philippot, A., Dubois, V., Lambrechts, K., Grogna, D., Robert, A., Jonckheer, U., ... & De Volder, A. G. (2022). Impact of physical exercise on depression and anxiety in adolescent inpatients: A randomized controlled trial. *Journal of affective disorders*, *301*, 145-153.
Price, J. M., Roesch, S., Walsh, N. E., & Landsverk, J. (2015). Effects of the KEEP foster parent intervention on child and sibling behavior problems and parental stress during a randomized implementation trial. *Prevention Science*, *16*(5), 685-695.
Reardon, T., Harvey, K., & Creswell, C. (2020). Seeking and accessing professional support for child anxiety in a community sample. *European child & adolescent psychiatry*, *29*(5), 649-664.
Reyes, D. (2012). Self-compassion: A concept analysis. *Journal of Holistic Nursing*, *30*(2), 81-89.
Rodgers, A. B., & Bale, T. L. (2015). Germ cell origins of posttraumatic stress disorder risk: the transgenerational impact of parental stress experience. *Biological psychiatry*, *78*(5), 307-314.
Stein, M. B., & Sareen, J. (2015). Generalized anxiety disorder. *New England Journal of Medicine*, *373*(21), 2059-2068.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

Steindl, S. R., Buchanan, K., Goss, K., & Allan, S. (2017). Compassion focused therapy for eating disorders: A qualitative review and recommendations for further applications. *Clinical Psychologist*, *21*(2), 62-73.

Stern, A. F. (2014). The hospital anxiety and depression scale. *Occupational Medicine*, *64*(5), 393-394.

Teesson, M., Newton, N. C., Slade, T., Chapman, C., Birrell, L., Mewton, L., ... & Andrews, G. (2020). Combined prevention for substance use, depression, and anxiety in adolescence: a cluster-randomised controlled trial of a digital online intervention. *The Lancet Digital Health*, *2*(2), e74-e84.

Voci, A., Veneziani, C. A., & Fuochi, G. (2019). Relating mindfulness, heartfulness, and psychological well-being: the role of self-compassion and gratitude. *Mindfulness*, *10*(2), 339-351.

Warren, R., Smeets, E., & Neff, K. (2016). Self-criticism and self-compassion: risk and resilience: being compassionate to oneself is associated with emotional resilience and psychological well-being. *Current Psychiatry*, *15*(12), 18-28.

Warren, R., Smeets, E., & Neff, K. (2016). Self-criticism and self-compassion: risk and resilience: being compassionate to oneself is associated with emotional resilience and psychological well-being. *Current Psychiatry*, *15*(12), 18-28.

Weis, J., Zoffmann, V., Greisen, G., & Egerod, I. (2013). The effect of person-centred communication on parental stress in a NICU: a randomized clinical trial. *Acta Paediatrica*, *102*(12), 1130-1136.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]

Predicting Children's Anxiety Based on Family Functioning and Self-Compassion with the Mediation of Parenting Stress in Mothers of Preschool Children in Ahvaz City

Nilofar Nemati[1], Zahra Dasht Bozorgi[2]*

1Department of Educational Psychology, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran
2Department of Educational Psychology, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran(Corressponding Author)
Corressponding Author Email Address: zahra.dashtbozorgi@iau.ac.ir

Abstract

The purpose of this research was to predict children's anxiety based on family functioning and self-compassion with the mediation of parenting stress in mothers of preschool children in Ahvaz. The statistical population included all mothers of preschool children in Ahvaz city. For this purpose, 150 people were selected by staged cluster sampling method. The research method was path analysis correlation. To collect the data, questionnaires such as Anxiety of Spence et al (2001), Family functioning of McMaster (1983), Self-compassion of Raes (2012) & Parenting Stress of Abidin (1992) were used. For data analysis, pearson correlation coefficient & structural equation method were used ($p<0.05$). The results showed that all the direct paths except the path of self-compassion to children's anxiety were significant ($p>0.05$). Also, there was an indirect relationship between family functioning and children's anxiety through parenting stress and also between self-compassion and children's anxiety through parenting stress. The obtained results indicated the appropriateness of the model fit and the results of the research can be used to improve anxiety in children.

Keywords: Anxiety, Family Functioning, Self-Compassion and Parenting Stress

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-19]